

زباله‌گردی در بافق، شهری معدنی و ثروتمند

بافق، شهری در استان یزد که به واسطه معادن عظیم آهن و منابع طبیعی‌اش به‌عنوان یکی از قطب‌های اقتصادی کشور شناخته می‌شود، امروز با صحنه‌هایی مواجه است که با تصویر «شهر ثروتمند» همخوانی ندارد. در خیابان‌های همین شهر معدنی، مردان و زنان بسیاری برای گذران زندگی به زباله‌گردی روی آورده‌اند؛ پدیده‌ای تلخ که تناقضی آشکار با جایگاه اقتصادی بافق دارد.

به گزارش خبرنگار گروه جامعه خبرگزاری گزارش خبر، بافق با درآمدهای کلان معدنی، نباید میزبان چنین صحنه‌هایی باشد. زباله‌گردی در این شهر نه تنها نشانه‌ای از فقر فردی، بلکه نمادی از شکاف اجتماعی و ضعف در توزیع عادلانه ثروت است. اینکه در شهری ثروتمند، شهروندان برای بقا به زباله‌ها پناه ببرند، پرسشی جدی درباره عدالت اجتماعی و مدیریت منابع ایجاد می‌کند.

روایت صحنه‌ها

تناقض با واقعیت اقتصادی بافق

ساعت ۹ شب، کنار پمپ بنزینی در مرکز بافق، سه نفر یکی پس از دیگری به سراغ سطل زباله‌ای معمولی رفتند. خم شدند، چیزی برداشتند و در گونی‌های وصله‌پینه‌شده‌شان انداختند. بی‌صدا رفتند، بی‌آنکه کسی نگاهشان کند. چند روز بعد، در روشنای بعدازظهر، پیرمردی حدود شصت ساله روبه‌روی اداره‌ای در بافق دیده شد؛ قامت خمیده‌اش درون سطل زباله گم شده بود، دستان لرزانش چیزی را بیرون کشید و در کیسه‌ای انداخت. این تصویر در شهری با چنین سطح از ثروت، به‌راستی تکان‌دهنده است.

بافق با درآمدهای کلان معدنی، نباید میزبان چنین صحنه‌هایی باشد. زباله‌گردی در این شهر نه تنها نشانه‌ای از فقر فردی، بلکه نمادی از شکاف اجتماعی و ضعف در توزیع عادلانه ثروت است. اینکه در شهری ثروتمند، شهروندان برای بقا به زباله‌ها پناه ببرند، پرسشی جدی درباره عدالت اجتماعی و مدیریت منابع ایجاد می‌کند.

صدای مردم

یک شهروند بافقی می‌گوید: «ما شهری داریم که معدن آهنش زبانزد است، اما چرا باید همشهری‌های ما در زباله‌ها دنبال معاش باشند؟ سه سال پیش معاون سابق فرماندار یا اطمینان کامل گفت کودکان کار ساماندهی میشوند اما متأسفانه نه تنها ساماندهی انجام نشد بلکه به تعداد آنها و رباله‌ها افزوده شد. زنی میانسال اضافه می‌کند: «این صحنه‌ها قلب آدم را می‌فشارد. بافق ثروتمند است، اما انگار ثروتش به همه نمی‌رسد.» یکی از زباله‌گردها با صدایی خسته می‌گوید: «کار می‌کنیم، پیمانکار سهمش را می‌برد، ما هم فقط زنده می‌مانیم. زندگی نیست، فقط دوام آوردن است.»

پاسخ مسئولان

شهردار و فرماندار بافق اگرچه در سخنان خود اذعان دارند که این پدیده «پذیرفتنی نیست»، اما مردم دیگر از وعده‌های بی‌پشتوانه خسته‌اند. بافق ثروتمند است، اما ثروتش به همه نمی‌رسد. این شکاف اجتماعی، محصول سیاست‌های ناکارآمدی است که عدالت را قربانی کرده‌اند.

جمع‌بندی

زباله‌گردی در بافق، شهری که به ثروت معدنی‌اش می‌بالد، تناقضی آشکار است. این پدیده آینه‌ای است که چهره پنهان جامعه را نشان می‌دهد؛ چهره‌ای که اگر نادیده گرفته شود، شکاف‌های اجتماعی را عمیق‌تر خواهد کرد. بافق باید نه تنها به ثروتش، بلکه به عدالت اجتماعی و کرامت انسانی شهروندانش نیز افتخار کند.

بافق ثروتمند، فقیر در عدالت

بافق، شهری که سال‌ها به معادن عظیم آهن و ثروت‌های زیرزمینی‌اش می‌بالد، امروز با صحنه‌هایی روبه‌روست که نه تنها زیبنده آن نیست، بلکه لکه‌ای بر پیشانی مدیریت شهری و استانی است: زباله‌گردی.

چگونه ممکن است در شهری که میلیارد‌ها تومان از دل زمین بیرون کشیده می‌شود، پیرمردی شصت‌ساله برای زنده ماندن تا کمر درون سطل زباله خم شود؟ چگونه باید پذیرفت که در خیابان‌های بافق، مردان و زنان با گونی‌های وصله‌پینه‌شده معاش خود را از میان پسماندها بیرون بکشند، در حالی که

درآمدهای معدنی این شهر می‌تواند زندگی هزاران خانواده را متحول کند؟

این تناقض، نه یک حادثه، بلکه نشانه‌ای از بی‌عدالتی عریان و سوءمدیریت آشکار است. مسئولان محلی سال‌هاست وعده ساماندهی داده‌اند، اما نتیجه چه بوده؟ جز افزایش تعداد زباله‌گردها و عادی شدن صحنه‌هایی که باید وجدان هر انسانی را به لرزه درآورد؟

شهردار و فرماندار بافق اگرچه در سخنان خود اذعان دارند که این پدیده «پذیرفتنی نیست»، اما مردم دیگر از وعده‌های بی‌پشتوانه خسته‌اند. بافق ثروتمند است، اما ثروتش به همه نمی‌رسد. این شکاف اجتماعی، محصول سیاست‌های ناکارآمدی است که عدالت را قربانی کرده‌اند.

بافق باید به عدالت اجتماعی و کرامت انسانی شهروندانش افتخار کند، نه فقط به معدن آهنش. زباله‌گردی در شهری ثروتمند، آینه‌ای است که چهره پنهان جامعه را نشان می‌دهد؛ چهره‌ای که اگر نادیده گرفته شود، دیر یا زود همه را در بر خواهد گرفت.